

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام  
سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۳  
صفحات ۹۹ - ۱۲۴

## بررسی تأثیر گفتمان یهودی در برخی از مقالات دایرة المعارف اسلام<sup>۱</sup>

داوود رنجبران\*

### چکیده

اسلام دین صلح و دوستی است و همواره از تنش و مجادله می‌پرهیزد، اما رابطه مسلمانان و یهودیان در زمان‌های گوناگون تاریخی، چالش‌برانگیز و پرتنش بوده است. این تنش از صدر تاریخ اسلام آغاز شد و همواره برخی از یهودیان در پی تحریف آموزه‌های اسلام و دشمنی‌ورزی با آنها بودند. این ماجرا با پشتیبانی از یهود در نقل روی‌دادهای تاریخی، به پیدایی گفتمان یهودی انجامید که متفکران و نویسندگان فراوانی اکنون نیز آن را نمایندگی می‌کنند. دایرةالمعارف اسلام چاپ لیدن هلند، از آثار مهمی است که از این گفتمان تأثیر پذیرفت. این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان به نقد تأثیر گفتمان یهودی در تنظیم و نشر برخی از مقالات این دایرةالمعارف می‌پردازد و به‌ویژه جایگاه یهودیان را در آغاز تاریخ اسلام در مدینه و نوع رابطه آنان را با پیامبر اسلام و مسلمانان تبیین و تأثیر گفتمان یهودی را در چگونگی رابطه یهودیان با مسلمانان، توصیف می‌کند. نتیجه این است که نویسندگان دایرةالمعارف اسلامی، اسلام را دینی مقتبس از یهودیت می‌خوانند و به پشتیبانی از یهودیان، بر پیمان‌شکنی‌ها و خیانت‌های آنان چشم پوشیدند.

### کلیدواژگان

دایرةالمعارف اسلام، گفتمان یهودی، پیامبر اسلام، شرق‌شناسی، یهود.

۱. تاریخ دریافت ۹۳/۰۳/۰۳؛ تاریخ پذیرش ۹۳/۰۹/۰۱.

\* استادیار دانشگاه هنر، گروه معارف اسلامی، تهران، ایران davodranjbaran@yahoo.com

## مقدمه

دایره‌المعارف به همت متخصصان و کارشناسان رشته‌های گوناگون گرد آمده؛ سپس بر پایه نظامی خاص (بیش‌تر الفبایی یا موضوعی) مرتب شده است و از کتاب‌های مرجعی به شمار می‌رود که خواننده به آسانی می‌تواند پاسخ پرسش‌هایی را در آن بیابد (انصاری، ۱۳۶۸). *دایره‌المعارف اسلام*، مجموعه‌ای از مقالات نظام‌مند به ترتیب الفبایی، در قلمرو مطالعات اسلامی و فرهنگ و تمدن مسلمانان است که آموزه‌های اسلامی را می‌شناساند (حداد عادل، ۱۳۹۲) و برجسته‌ترین نمونه مطالعات اسلامی غربیان به شمار می‌آید (اسعدی، ۱۳۸۱).

این کتاب نخستین بار ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸ میلادی در چهار جلد اصلی و یک جلد تکمله<sup>۱</sup> هم‌زمان به انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در بردارنده بیش از نه هزار مقاله به همت انتشارات بریل لیدن<sup>۲</sup> هلند و اتوهار اسویتس<sup>۳</sup> لایپزیگ آلمان چاپ و منتشر شد (خوش‌دل، ۱۳۸۲). طرح دومین تحریر این دایره‌المعارف، گسترده‌تر از تحریر نخست و به‌انگیزه رفع کمبودها و مشکلات آن، در کنگره<sup>۴</sup> ۲۱ شرق‌شناسان در پاریس تصویب (ژوئیه ۱۹۴۸ م) و پس از تمهید مقدمات، انتشار آن به انگلیسی و فرانسوی در قالب جزوه از ۱۹۵۴ آغاز شد که از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۴ میلادی در یازده مجلد اصلی (همه جلدها تنها فرانسوی و انگلیسی) کمابیش یازده هزار صفحه منتشر شده است.

نام سرویراستاران ویرایش دوم که برخی از آنان یهودی و برخی دیگر از آنان به گونه‌ای پشتیبان یهودیت بودند، چنین است: گیب، پروونسال، جی اچ کرمرز<sup>۵</sup>، جوزف شاخت، برنارد لوئیس<sup>۶</sup>، شارل پلا<sup>۷</sup>، وی ال میناگ<sup>۸</sup>، فون دانتزل،

۱. Supplement

۲. Leiden, Brill

۳. Leipzig, Otto Harrassowitz

۴. J. H. Kramers (D. ۱۹۵۱)

۵. B. Lewis

۶. Ch. Pellat

۷. V.L. Ménage



گ. آر هاوتینگ<sup>۱</sup>، باسورت<sup>۲</sup> و پی جی بیرمن<sup>۳</sup>. گستردگی مطالب مطرح در *دائرة المعارف اسلام* بر این دلالت می‌کند که گفتمان چیره بر این اثر، در بازنمایی واقعیات تاریخی و الاهیاتی موفق بوده است؛ زیرا دایره‌المعارف‌های نوشته مغرب‌زمین درباره گذشته و حال جهان اسلام، از خوانش غربیان از اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی متأثر بوده‌اند و تأثیر این خوانش در گزینش، حذف و پیش‌نهاد مدخل‌ها و درون‌مایه مقالات انکارناشدنی است (حسین‌زاده، ۱۳۹۰). همین خوانش زمینه‌پدایی و تأثیرگذاری گفتمان یهودی را در *دائرة المعارف اسلام* فراهم آورد. مجریان نشر ویرایش دوم *دائرة المعارف اسلام*، کار خود را چنین تعریف کرده‌اند:

چاپ اخیر *دائرة المعارف اسلام* بازگوکننده اطلاعات جدید ما درباره جهان اسلام است. این کتاب مرجعی یگانه و بسیار ارزش‌مند و معتبر نه تنها درباره اسلام که درباره همه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی است (عباسی و آقایی، ۱۳۸۲).

این مقاله به بررسی و نقد مدخل‌هایی می‌پردازد که به رابطه اسلام، پیامبر و مسلمانان با یهودیان اشاره می‌کنند. سرچشمه گفتمان چیره بر *دائرة المعارف*، یهودی است و از این‌رو، مهم‌ترین بخش‌های *دائرة المعارف* که بر یهودیت‌گرایی آن دلالت می‌کنند، مدخل‌هایی‌اند که درباره رویارویی مستقیم یهودیت و اسلام سخن می‌گویند.

البته برخی از نویسندگان به بررسی مدخل‌ها و مقاله‌ها از منظر گفتمان یهودی در قالب شرق‌شناسی یهودی پرداخته‌اند و شماری از آنان شرق‌شناسی یهود را به‌انگیزه یافتن ریشه‌های شرقی یهود دنبال می‌کنند. برای نمونه، یهودیان فرانسه سده نوزدهم کوشیدند که خود را از ریشه‌های کهنشان جدا کنند تا فرآیند ادغامشان در جامعه فرانسه شتاب گیرد، اما اوایل سده بیستم، به ریشه‌های شرقی خود بازگشتند و آن را مایه افتخار دانستند. بازگشت به شرق، پی‌آمد حس بیگانگی و فقدان بود که بسیاری از یهودیان آن دوره در رمان‌ها و اشعارشان به آن اشاره کرده‌اند. یهودیان از این طریق به

۱. G. R. Hawting

۲. C.E. Bosworth

۳. P.J. Bearman

گروهی فرهنگی - قومی با هویت یهودی بدل شدند و همین فرآیند به پیدایی شرق‌شناسی یهودی انجامید.<sup>۱</sup>

باری، کسانی در پی اثبات بهره بردن شرق‌شناسان غربی از تاریخ به سود یهودند. محمد جلاء ادريس با تبیین برخی از بنیادهای شرق‌شناسی یهودی، نخست شبهاتی را یادآوری می‌کند که مستشرقان مسیحی و یهودی آنها را درباره اسلام مطرح کردند؛ سپس می‌گوید شرق‌شناسان یهودی و اسرائیلی نیز راه دیگر شرق‌شناسان را پیش گرفته‌اند و به انگیزه تضعیف جایگاه اسلام، از همان روش بهره می‌گیرند. او هم‌چنین از شبهات آنان سخن گفته و به بررسی آنها و پاسخ‌گویی به آنها از طریق آیات قرآن و روایات پرداخته است (ادريس، ۱۹۹۵).

این مقاله مباحث را از منظر تحلیل گفتمان دنبال می‌کند. ویژگی اجتماعی و ایدئولوژیک در گفتمان، بسیار مهم است و برای نشان دادن اهمیتش از تشبیه «دو روی یک سکه» می‌توان سود برد. یک سوی سکه، گفتار و سوی دیگرش، ویژگی اجتماعی و کار است؛ یعنی معنای گفتار، کار (یا نقش) ملازم با آن گفتار است و گفتار و کار را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد و از این روی که هر کاری در اوضاع اجتماعی ویژه‌ای صورت می‌پذیرد، تفسیر گفتار نیز تابع آن اوضاع خاص اجتماعی خواهد بود (یارمحمدی، ۱۳۹۱).

بنابراین، گزاره‌ها، عبارات و جمله‌های به‌ظاهر نامرتب دایره المعارف اسلام، هدف کلانی را در خود نهفته دارند و محقق برای درک درست و دقیق متن افزون بر خود متن، هدف کلی و کلان نویسنده یا ویراستار را باید در نظر بیاورد؛ زیرا عبارات و اهداف با یکدیگر ملازمند و خواننده با رصد پیوسته شیوه بیان، نوع نگاه، شمار تکرار عبارت، نوع خطاب، مبهم‌گویی‌ها، چگونگی استفاده از منابع و...، باید گفتمان حاکم را بر متن کشف کند. بنابراین، تحلیل‌گر گفتمان با بررسی عبارات و گزاره‌ها در پی کشف گفتمان حاکم بر کتاب، مقاله و متن است و به گفته میشل فوکو، گفتمان توده بی‌شکل عبارت‌ها و گزاره‌هایی است که دیرینه‌شناس، نظم و قاعده حاکم

۱. Orientalism And The Construction Of Jewish Identity In France, ۱۹۰۰-۱۹۳۲, Jewish Culture And History, Vol. 2, No.1(1999) Pp. 1-25

را بر آن، کشف می‌کند.

کسانی متن را مرادده‌ای زبان‌شناختی (شفاهی و کتبی)، می‌دانند و معتقدند متن پیامی است که در رسانه شنیداری یا دیداری‌اش رمزپردازی کرده‌اند (میلز، ۱۳۸۸) و برخی آن را اسمی شمارش‌پذیر می‌دانند و برای نمونه، می‌گویند: گفتمان، آن گفتمان، آن گفتمان‌ها که درباره روش سخن گفتن به کار می‌روند و به تجربه‌های برآمده از منظری خاص، معنا می‌بخشند. واژه گفتمان در این معنا، به هر گفتمانی اشاره می‌کند که تفکیک آن از دیگر گفتمان‌ها امکان‌پذیرد. برای نمونه، گفتمان فمینیستی، گفتمان نئولیبرال، گفتمان مارکسیستی، گفتمان مصرف‌کننده یا گفتمان محافظت از محیط زیست (یورگنس و لوئیز فیلیپس، ۱۳۸۹) که هر یک بر پایه شاخص‌ها و ویژگی‌هایش از دیگر گفتمان‌ها جدا می‌شود، اما خود این گزاره‌ها و ویژگی‌ها، بنیاد خود آن گفتمانند. گس اگر مجموعه‌ای از گزاره‌های به‌ظاهر پراکنده در درون پیوسته باشند؛ چنان‌که هدف و پیامی واحد در آنها یافت شود، به آن گفتمان می‌گویند. شاید این گزاره‌های پراکنده در یک زمان پدید نیامده باشند یا یک فرد آنها را در یک متن نیاورده باشد، بلکه هر یک از آنها در زمانی در متن نشسته یا افراد فراوانی آنها را در بخش‌های گوناگون یک متن آورده باشند، اما هنگامی که محقق همه آنها را شناسایی می‌کند و کنار یک‌دیگر می‌گذارد، آن مجموعه را در بردارنده یک پیام منسجم می‌بیند که آن را گفتمان حاکم بر متن می‌توان خواند. از این‌رو، برای شناخت گفتمان نخست باید گزاره‌ها و ویژگی‌های پراکنده آن را شناخت؛ سپس به شناسایی نظم و قانونی حاکم بر مجموع آنها پرداخت. برخی از مستشرقان مانند گلدتسیهر یهودی، در بررسی مدارک و اسناد تاریخی، ظاهر آنها را خودبسا نمی‌دانست، بلکه می‌کوشید انگیزه‌های پنهان نویسندگان آنها را نیز کشف کند (سحاب، ۱۳۷۲). بنابراین، با کاربری روش و سازکار شایسته باید به کشف ارتباط متن یا گفته با ایدئولوژی حاکم بر آن دست یافت و این هدف به شیوه تحلیل گفتمان محقق می‌شود، اما برای شناخت گفتمان نخست باید ویژگی‌ها و گزاره‌های آن را شناخت؛ سپس پیام مجموع آنها را یافت. از این‌رو، به برخی از ویژگی‌های گفتمان

یهودی اشاره می‌شود:

### بی‌اعتباری منابع

بی‌اعتباری منابع اسلامی، از اصلی‌ترین ویژگی‌های گفتمان یهودی است. گفتمان یهودی می‌کوشد ثابت کند این منابع روایت‌گر روی دادها صدر تاریخ اسلام نیستند، بلکه در دوره‌های بعدی، نوشته شده‌اند؛ یعنی منابع موجود از تصورات و خیال‌پردازی‌ها و حتی دروغ‌پردازی‌های مسلمانان مناطق مختلف برآمده‌اند (حسن، ۲۰۰۳).

### اقتباس

گفتمان یهودی با تشکیک در منابع اسلامی و جداسازی اسلام از منابع اصیلش، این پرسش را مطرح می‌کند که اسلام امروز از چه منبعی گرفته شده است و پاسخ می‌گوید: این اسلام از ادیان معاصر خودش مقتبس است و خودش نظام اعتقادی، نظام عبادی، نظام اجتماعی و... ندارد، بلکه وام‌دار نظامات معاصر خودش است. مانند اقتباس نماز و روزه رمضان و دیگر احکام عبادی که مسلمانان به تقلید از نماز و روزه یهودیان و مسیحیان بدانها می‌پرداختند.<sup>۱</sup>

### اسطوره‌نگاری

هم‌چنین از دید یهودیان، شماری از منابع اسلامی ساخته و پرداخته اوهام و خیال‌پردازی‌های مسلمانان سده‌های بعدی‌اند. مانند اعتقاد به معراج پیامبر (ص) که به انگیزه‌های فراوانی مانند سیاست‌ها درباره قدس، مطرح شد.<sup>۲</sup>

### تأثیر یهودیان در گسترش اسلام

از دیگر مدعیات این گفتمان این است که خاخام‌های یهودی در تعریف و گسترش اسلام بسی تأثیر گذاردند؛ زیرا در جبران کمبود فکری مسلمانان، کوشیدند. یهودیان در دوره جاهلیت نیز نزد مشرکان از مرجعیت علمی بهره داشتند و در دوره‌های بعدی با

۱. Hava Lazarus Yafa, Some Religious Aspects Of Islam, Brill, ۱۹۸۱, P۷۵.

۲. Ibid, P. ۲۱۱



تحلیل و تفسیر منابع اسلامی، در گسترش آن تلاش کردند.<sup>۱</sup> از این رو، توجه به جایگاه ویژه یهودیان و درک اهمیت و جایگاه تأثیرگذار آنان در رشد سنت اسلامی در درازنای زمان و منابع ادبی، از دیگر گزاره‌های گفتمان یهودی است.

این گزاره در مقالات دایره المعارف اسلام پراکنده دیده می‌شود و انسجام درونی دارد؛ چنان‌که اگر ویژگی نخست اثبات شود، زمینه طرح شبهه اقتباس فراهم می‌آید؛ سپس تأثیر یهودیان در گسترش اسلام نمایان می‌شود. دایره المعارف بر پایه مجموع این ویژگی‌ها از گفتمان یهودی متأثر بوده است. بیشتر این ویژگی‌ها در جای‌هایی از این اثر دیده می‌شود؛ ویژگی‌هایی پیام اصلی‌شان، پشتیبانی از یهودیان و محکومیت اسلام و مسلمانان است؛ زیرا این گزاره‌ها در مقالات فراوان دایره‌المعارف با نقل مطالب تاریخی به صورت پشتیبانانه از یهود و در قالب بی‌اعتنایی به اصالت اسلام و باورهای مسلمانان، پراکنده‌اند. دایره‌المعارف هنگامی که روی داده‌های صدر تاریخ اسلام را روایت می‌کند (مانند مواجهه پیامبر با یهودیان)، به گونه‌ای سخن می‌گوید که اسلام، منابع اسلامی، قرآن، پیامبر اسلام و... بی‌اعتبار می‌نماید.

### گفتمان یهودی در مواجهه با پیامبر اسلام (ص)

#### انکار نزول قرآن

نفوذ یهودیان در مردم کشورهای جهان، زمینه را برای تأثیرگذاری فرهنگی‌شان در آنان فراهم می‌آورد. آنان در جامعه عرب آن روزگار نیز تأثیرگذار بودند. گاهی برخی از قبایل عرب، برای پذیرش یا واژنش اسلام با یهودیان مشورت می‌کردند. به گزارش برخی از منابع، قبایل عرب مدینه در موسم حج دعوت رسول خدا را به اسلام دریافتند و کسی از اعضای قبیله پیش‌نهاد کرد در راه بازگشت به مدینه با یهودیان فدک در این باره مشورت کنند؛ سپس آن را بپذیرند. آنان پس از مشورت با یهود، اسلام را پذیرفتند (طباطبایی، المیزان). پیامبرگرمی اسلام برای اجرای رسالتش، مردم مدینه (یهودیان و مشرکان) را به اسلام فراخواند، اما یهودیان به شیوه‌های گوناگون کوشیدند

۱. John Wansbrough, *Quranic Studies: Sources And Methods Of Scriptural Interpretation*, Trans. By Andrew Rippin, New York: Prometheus Books, 2004.P268

جایگاه رسول خدا (ص) را سست کنند. مستشرقان با رد نزول وحی بر پیامبر خدا، او را به بیماری دچار دانسته‌اند که بر اثر آن می‌پنداشته که بر وی وحی نازل شده است؛ چنان‌که گلدتسیهر می‌گوید:

معمولا ابرمردان دچار یک بیماری روحی می‌شوند که توهمات را به عنوان واقعیت تصور می‌کنند.<sup>۱</sup> اگر مراحل پاتولوژیک پیدایش گمان وحی و اعتقاد به آن و پا بر جا شدن این باور را در نفس او، گام به گام دنبال کنیم، کافی است و در اینجا جمله‌ای پر مغز هارناک را درباره بیماری‌ای که تنها عارض ابرمردان می‌شود یاد کنیم که به وسیله آن، به زندگی نوینی می‌رسند که پیش از آن ناشناخته بوده است و از آن نیرویی به دست آورند که بر همه مشکلات پیروز آیند. شور نبوت و ولایت از این قبیل است (گلدتسیهر، ۱۳۵۷).

بازتاب این دیدگاه در *دایره المعارف اسلام*، زمینه را برای حاکمیت گفتمان یهودی فراهم آورد. بنابراین، نویسندگان در بخش‌های گوناگون بدان پرداخته‌اند؛ چنان‌که نویسنده مقاله «محمد» می‌گوید:

«مشکل می‌توان تعیین کرد که تا چه میزان محمد تحت تأثیر نهضت‌ها و ایده‌های توحیدی گوناگون در عربستان اوایل قرن هفتم پس از میلاد بوده است<sup>۲</sup> [و پس از آن تحول درونی در وی ایجاد شده است]، اما آنچه مسلم است این است که واقعه‌ای روی داد که کل باطن او را متحول ساخت و او را از نیرویی معنوی سرشار کرد که در تمام دوران زندگی‌اش به‌طور سرنوشت ساز منتقل می‌شد<sup>۳</sup>؛ دنیایی جدید از ایده‌ها به گونه‌ای روزافزون ذهن او را فرا گرفت تا اینکه سرانجام او را با نیرویی شدید و مقاومت‌ناپذیر و ادار ساخت که گام پیش نهاده، آن ایده‌ها را اعلان کند<sup>۴</sup>.

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک.

ELIASH, JOSEPH. (1932-1981), "The Si'ite Qur'an: A Reconsideration Of Goldziher's Interpretation," Arabica: Journal Of Arabic And Islamic Studies 16i (1969) Pp. 15-24.

۲. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Muhammad

۳. Ibid

۴. Ibid



این نیروی مقاومت‌ناپذیر، به اندازه‌ای در پیامبر تأثیر گذارد که به ایده‌پردازی پرداخت و مخطورات ذهنی‌اش را بیان کرد:

[و از این رو]، بخش‌هایی از قرآن که بیان‌گر مراحل نخستین تلاوت عمومی آن از زبان محمد است، از نوعی الهام بسیار هیجان‌آمیز نشان دارد که به ندرت در بخش‌های بعدی زندگی وی نظیری برای آن دیده می‌شود.<sup>۱</sup> خودآگاهی از این امر که او وسیله برگزیده خداوند است، آن چنان در درون او نیرومند شده بود که دیگر نمی‌توانست به موجودی بی‌ارزش با هدفی دست‌نیافته تنزل کند.<sup>۲</sup> اعتقاد راسخ او به منشأ الهی رسالتش و موقعیت وی در میان مؤمنان، به او اجازه نمی‌داد که باور کند در یک‌سان انگاشتن نسخه‌های کتاب خدا که بر موسی، عیسی و اکنون خود او نازل شده بود، مرتکب اشتباه گردیده است.<sup>۳</sup>

گفتمان یهودی اینها را توهم برآمده از بیماری می‌داند. برخی از مستشرقان درباره رشد آرام‌آرام اسلام در نخستین سده‌ها و دریافت وحی پیامبر در قالب مکاشفه، سخن گفته‌اند. برای نمونه، کائتان<sup>۴</sup> می‌گوید: «ظهور محمد در مقام یک مصلح دینی به تدریج صورت گرفت و در بردارنده دوره‌ای طولانی از مکاشفه و تفکر بود که در متون سیره آن را «تحنث» می‌نامند<sup>۵</sup>. نویسنده نزول وحی را به واسطه جبرائیل، به اخبار مسلمانان نسبت می‌دهد، اما مقصودش از این ارجاع، بیشتر خیال‌پردازی مسلمانان است.<sup>۶</sup>

گفتمان حاکم یهودی بر دایره‌المعارف با در انداختن شکاف درون‌گفتمانی در اسلام میان نص و اجتهاد، به شیوه دیگری در وحی تشکیک می‌کند. بنابراین، بر تأثیر متکلمان و فیلسوفان در تصویرسازی وحی و خیال‌پردازی موجد اختلاف نصوص، تأکید می‌کند:

۱. Ibid

۲. Ibid

۳. Ibid

۴. Caetani

۵. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Muhammad, And Mecca

۶. Ibid

به گفته فلاسفه این شخصیت کاریزمای خاص پیامبران است که آنها از طریق وحی فرشته‌ها را در شکل جسمانی‌شان می‌بینند و صدایشان را می‌شنوند. نباید این مطلب رد شود که وقتی آنها بیدار هستند، چیزی را می‌بینند که مردم عادی در خواب می‌بینند؛ یعنی آنها افرادی هستند که شاعرانه سخن می‌گویند و به ایده‌هایی اشاره می‌کنند که با آنچه واقعاً رخ می‌دهد هم‌بستگی دارد؛ چرا که روح آنها از دغدغه‌های بدنی آزاد است و می‌تواند به سادگی با جهان الاهی ارتباط برقرار کند (عالم القدس). اغلب این ویژگی خاص و عجیب در آنها تبدیل به قوه‌ای نهادینه می‌شود که به سادگی کار می‌کند و به بیان دایره‌المعارف این نظریه وحی به گفته لاهیجی، گمراه‌کننده است<sup>۱</sup> و در هم‌آهنگی با دیدگاه‌های خود فلاسفه نیست که به اعتقاد آنها [فلاسفه] فرشته‌ها نمی‌توانند دیده شوند. آنها موجوداتی صرفاً روانی هستند که گفتاری قابل شنیدن تولید نمی‌کنند؛ ویژگی‌ای که صرفاً به موجودات مادی تعلق دارد. بنابراین، نظریه فلاسفه وحی را به عنوان تصور آنچه که در واقعیت مبنایی ندارد توضیح می‌دهد، به همان اندازه جزئی و ناچیز که از دهان مردم دیوانه و بیمار بیرون می‌آید. اگر هر یک از ما باید بر اساس اقتدار و مرجعیت خودمان آنچه مفید و معنادار است را فرمان دهیم و منع کنیم، ما پیامبر نمی‌شدیم. تا چه حد یک گفته پیامبرانه که هیچ مبنایی در خرد ندارد و اغلب در تضاد با خرد است مبتنی بر تصورات و تخیلات است؟<sup>۲</sup>

بنابراین، تأثیر فیلسوفان و متکلمان در تصویرسازی بر پایه منطق و فلسفه ارسطویی، به پیدایی پدیده پیامبری می‌انجامد که می‌توان ذهن مسلمانان سراسر دنیا را تسخیر کند و کسی را بیافریند که نزد انسان‌ها اسطوره و الگوی محترم باشد.

### ناصیل بودن منابع اسلامی

اتهام فرهنگی دیگر اسلام از دید یهودیان این است که منابع اسلامی اصیل نیستند و مسلمانان به تقلید از متون کهن مانند تورات و انجیل، آنها را سامان داده‌اند اوری روبین

۱. Ibid

۲. Ibid: Entry Of Wahy



از مستشرقان یهودی معاصر و مترجمان قرآن به عبری، درباره تأثیرپذیری محمد از یهودیان و مسیحیان می‌گوید: نگارش تاریخ مقدس در سنت اسلامی مسلمانان، از اسطوره‌پردازی‌های معاصران متأثر بوده است. از سوی دیگر، گفتمان یهودی پیامبر (ص) را از آموزه‌های فرهنگ دوران جاهلیت همچون فرهنگ مسیحیان و یهودیان، متأثر می‌داند. بنابراین، در استفاده از داستان‌های آنان نیز باید در اندیشه سود خود باشد. بنابراین، تصریح می‌کند که داستان‌های تورات در خیال‌پردازی‌های مسلمانان تأثیر گذارد و مسلمانان در اقتباس این داستان‌ها کوشیدند:

افسانه‌های کتاب مقدس، تفاسیر آن و ویژگی‌های داستانی در افسانه اسلامی موسی با تصویری کامل مخلوط می‌شوند و در اثر الثعلبی تشکیل یک داستان عاشقانه منظم می‌دهند. خیال‌پردازی‌های تزینی زیادی وجود دارد. مانند معجزه مارها، طاعون و صحنه‌هایی از دریای سرخ؛ خصوصاً عصای موسی نقش مهمی بازی می‌کند. عصا از بهشت آمد، آدم، هابیل، شیث، ادریس، نوح، صالح، اسماعیل، اسحاق و یعقوب قبلاً از این عصا استفاده می‌کردند که آن را یک فرشته آورد. موسی آن را از همسر شبه به دست آورد؛ پدرخوانده اشبر سر اینکه عصا متعلق به کیست با موسی مشاجره می‌کند و فرشته به نفع موسی رأی می‌دهد. این یک عصای معجزه آساست و ثعلبی (۱۶-۱۱۱) به طور خاص حیرت و تعجبی که این عصا ایجاد می‌کند را بازگو می‌کند. عصا در تاریکی می‌درخشد؛ در خشک‌سالی آب می‌دهد و وقتی بر زمین گذاشته شود به درخت تبدیل می‌شود و میوه می‌آورد؛ عصا شیر و عسل رایحه خوش‌بو تولید می‌کند؛ در برابر دشمن بدیل به یک اژدها می‌شود. عصا کوه‌ها و سنگ و رودخانه و دریا را می‌شکافد؛ این عصا هم‌چنین عصای دست چوپان است و حیوانات را از شکار شدن حفظ می‌کند. یک بار وقتی موسی خواب بود عصا یک اژدها و یک‌بار دیگر هفت نفر از آدم‌کش‌های فرعون را کشت!

آوری رویین یهودی درباره یهودی‌سازی تاریخ اسلام صریح سخن می‌گوید که

سخنش بر حاکمیت گفتمان یهودی بر این اثر دلالت می‌کند: «در این مطالعات بود که تأثیر ادبیات یهودی و مسیحی در نگارش تاریخ مقدس در سنت اسلامی، در سیره‌نویسی مورد بررسی و کاوش قرار گرفت<sup>۱</sup>». بر پایه این سخن روبین، آنان از هیچ تلاشی برای یهودی‌سازی اسلام برکنار نبودند و همواره می‌کوشند تأثیر یهودیان را در پیدایی و گسترش اسلام نشان دهند.

این اندیشه اوری روبین در آثار دیگر مستشرقان همچون گلدتسیهر و شاخت و جان ونزبرو نیز دیده می‌شود (جان‌احمدی، ۱۳۹۲) و شاید بتوان گفت که گفتمان یهودی بر آثار بسیاری از مستشرقان چیره است؛ چنان‌که در *دایره المعارف اسلام* نیز همین سخن اوری روبین را درباره یهودی‌سازی تکرار کرده؛ چنان‌که مدخل «تورات» دایره‌المعارف آشکارا آن را آورده است:

مردم به، ایده‌های مذهبی یهودی، مفاهیم اخلاقی و افسانه‌های پندآموز آشنا بودند، بلکه حتی برخی از کلمات آرامی و عبری توسط آن اعرابی که ارتباط نزدیکی با یهودیان پیدا کردند، جذب شد؛ همان‌طور که ایده‌های مسیحی و عناصری از مجموعه لغات آن به شکلی نیمه‌آگاهانه جذب شدند<sup>۲</sup>. لذا باید گفت که این ایده‌ها در داستان‌های بعدی تأثیرگذار بوده است. مسلمانان پس از دریافت مطالب از کتب مقدس یهودیان و مسیحیان خود نیز مطالبی را می‌افزودند<sup>۳</sup>.

### بی‌اعتنایی به منابع اسلامی

بی‌اعتنایی به منابع اسلامی از کمبودهای گفتمان یهودی حاکم بر دائرة‌المعارف است. هنگامی که منابع اسلامی منابع یهودیان را به خیانت متصف می‌کنند، یهودیان در این باره گله‌مند می‌شود و می‌گویند چرا منابع یهود را نستوده‌اند؟

برای نمونه، یهودیان می‌گفتند: قرآن مطالب محرف تورات را آورده است<sup>۴</sup> یا

۱. Uri Rubin, Introduction: The Prophet Muhammad And The Islamic Sources, In The Life Of Muhammad, Ibid, P. 147

۲. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed. Entry Of Towrah

۳. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Ofmuhammad

۴. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Ofmuhammad



تناقض‌هایی در قرآن هست<sup>۱</sup>. آنان با این شبهات می‌خواستند مؤمنان را گمراه و باورهایشان را سست کنند و هنگامی که بدین کار سرگرم شدند، حقیقت را نتوانستند بجویند. شماری از زبزرگان انصار همچون معاذ بن جبل و سعد بن معاذ که پیش از بعثت با یهودیان دوست بودند، به آنان گفتند: شما نشانه‌های پیامبر و ظهورش را پیش از بعثت به ما می‌گفتید؛ پس از مخالفت با پیامبر دست بردارید و از عذاب خدا بترسید، اما یهودیان گفتند: هرگز پیامبری پس از موسی مبعوث و کتابی نازل نشده است. هنگامی که برخی از مشرکان از یهودیان درباره دین جدید (اسلام) می‌پرسیدند، آنان بر اثر کینه‌توزی و دشمنی‌ورزی با پیامبر، می‌گفتند: دین شما بهتر و کهن‌تر از اسلام است و شما از مسلمانان راه‌یافته‌ترید<sup>۲</sup>.

*دایرة المعارف اسلام بدون تقبیح دیدگاه یهودیان و بی‌اعتبار دانستن منابع روایی در بردارنده اخبار بر ضد یهودیان می‌گوید:*

در قرآن، هر دو عبارت بنو اسرائیل و یهود در ادبیات سنتی به کار می‌روند، اما بنو اسرائیل معنای وسیع‌تری دارد که شامل اسرائیلی‌های باستان و یهودیان معاصر می‌شود. با این حال، کلمه یهود بسیار رایج شده است و اغلب کلمه یهود در زمینه‌هایی ظاهر می‌شود که اغلب منفی هستند. مانند مواجهه محمد با قبایل یهود در مدینه (بنوقینقاع، النضیر و قریظه. بنگرید به همین مدخل) و ساکنان واحه خیبر که تمام آنها با تمام جزئیات در سیره و مغازی بازگو شده است. به عنوان مثال، خاخام‌های یهودیان در مدینه کسانی معرفی می‌شوند که کینه‌توزی و دشمنی‌شان معطوف به رسول خدا بود (هولاه احبار الیهود، اهل الشرور و العداوه لرسول الله، ابن هشام، السیره النبویة، قاهره ۱۹۵۵، ۱، ۵۱۶). یهودیان در این حدیث نه تنها بدانندیش، بلکه فریب‌کار (به عنوان مثال بنگرید به واقدی، المغازی، ۱، ۳۶۳ به بعد)، ترسو (ابن هشام، السیره النبویة، بیروت ۱۹۸۵، ۲، ۵۷) و به

۱. Ibid

۲. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Yahud

طور کلی فاقد تصمیم و رأی (همان، ۲۳۶) به نظر می‌رسند.<sup>۱</sup>

دایره‌المعارف پس از نقل این نمونه‌ها، این کار را تقبیح می‌کند و در پشتیبانی از یهودیان، بدون توجه به شواهد تاریخی بر ضد آنان، می‌گوید: «اما آنها (یهودیان) هیچ‌یک از صفات و خصایل خبیث و شیطانی که در ادبیات مسیحی قرون وسطا نیز به آنها نسبت داده می‌شد را ندارند»<sup>۲</sup> و هیچ چیزی قیاس‌پذیر با این میزان از درگیری با یهودیان و یهودیت (شاید جز در روایت‌هایی درباره مواجهه محمد با یهودیان مدینه) در ادبیات حدیث اسلامی نیست. کتاب در بخشی دیگری از اطلاق سخن می‌کاهد؛ یعنی نمی‌گوید آنان صفات شیطانی ندارند، بلکه شماری را از آنان مستثنا می‌داند و بدین شیوه بار منفی گزارش‌های تاریخی را می‌کاهد و آن صفات را به همین افراد «معلوم الحال» محدود می‌کند و دامن یهودیان را از این سخنان می‌سترده:

به غیر از تعداد کمی استثنای قابل توجه، مانند حی بن اخطب، یکی از رهبران بنی‌نضیر و کعب الاسد رهبر بنی‌قریظه، یهودیان در سیره و مغازی افراد پست و بدذاتی هستند. بدنامی آنها در تضاد با شجاعت و قهرمانی اسلامی است و به طور کلی در تطابق و همراهی با تصویر قرآنی بدبختی و بی‌چارگی و فرومایگی است که به آنها نسبت داده می‌شود.<sup>۳</sup>

باری، برای نشان دادن نامحدود ماندن نگاه منفی مسلمانان به خطاهای افراد خاصی از یهودیان، به بدبینی مطلق آنان به یهودیت اشاره می‌کند. این بدبینی موجب شده است که متن مقدس مسلمانان در این زمینه به مسلمانان هشدار دهد؛ هشدارهایی در زمینه‌های آداب معاشرت و شیوه معاملات با یهودیان که از هشدارها درباره معاشرت با پیروان دیگر ادیان بیشتر است (برای نمونه، ر.ک: بخاری، الصحيح، باب الاستئذان، ب ۲۲).

بر خلاف این، وقتی حدیث تعیین هویت مثبت‌تر یا حداقل خنثا با یهودیان را مجاز می‌دارد (و شاید یهودیان و مسیحیان به طور عمومی)، عبارت

۱. Ibid

۲. Ibid

۳. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Kurayza



بنواسرائیل احتمالاً بیشتر به کار می‌رود. مانند حدیث معروف که این گناه و خلاف نیست که احادیث به اعتبار فرزندان اسرائیل نقل شوند (بخاری، کتاب الانبیاء ب ۱۹، حدیثا عن بنی اسرائیل و لا حرج<sup>۱</sup>).

بی‌گمان، بر پایه دلالت ضمنی، کلمه یهود با بنواسرائیل متضاد است و ترکیب بنواسرائیل، به تعبیر گسترده مؤدبانه‌ای برای اشاره به یهودیان بدل گشت. الاسرائیلی نسبت رایجی بود که درباره یهودیان متمایز همچون موسی بن‌میمون الاسرائیلی الاندلسی و نیز یهودیان گراییده به اسلام به ویژه در ادبیات مذهبی به کار می‌رفت و هرگز کاربرد منسجمی نداشت. همه مورخان و جغرافی‌دانان عرب قرون وسطا، به همین شکل از یهودیان یاد می‌کردند و این تعبیر در بردارنده دلالت ضمنی منفی یا مثبتی نبود. برای نمونه، ابن‌خردادبه بازرگانان یهودی قرون وسطا را «تجار الیهود الرجانیه» (مسالیک، ۱۵۳)، اما مسعودی یهودیان عراق را «بنو اسرائیل» و «یهود» خوانده است (التنبیه الاشراف، ۱۱۳). کلمه یهود بی‌تغییر و یک‌نواختی به کار می‌رفت. نویسندگان یهودیان و مسیحیان را چنین از یک‌دیگر جدا می‌کردند؛ چنان‌که مقدسی هنگام توصیف مردم اورشلیم چنین می‌کرد<sup>۲</sup>. این گفتمان می‌کوشد منابع اسلامی را بی‌اعتبار بنماید و با بی‌اعتنایی به آنها، قدمت این منابع را انکار می‌کند: «به سختی می‌توان منبعی از منابع سیره را پیدا کرد که قدمتش به قرن اول اسلام باز گردد<sup>۳</sup>».

مستشرقان بر اثر قدیم نبودن منابع به آنها اعتماد نمی‌کنند. از این‌رو، درباره قرآن نیز چنین دیدگاهی را مطرح می‌کنند و می‌گویند: به قرآن نیز اعتماد ندارند؛ زیرا قرآن در زمان پیامبر گردآوری نشد و هیچ دست‌خطی از او کاتبان وحی در دست نیست:

«طبیعی است که در وهله اول به سنت دست‌نویس قرآن توجه کنیم، اما تا اینجا سودمند بودن آن چندان به اثبات نرسیده است و هیچ‌گونه دست‌خطی از محمد<sup>۴</sup> و

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد شرح این عبارت رک.

Produce Your Proof: Muslim Exegesis, The Hadith, And The Jews," Judaism 53i-Ii (2004) Pp. 3-11.

۲. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Yahud

۳. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Muhammad

۴. قریب به یقین معنای «درس ناخوانده» بعدها به کلمه امی داده شده و بنابراین اعتقاد به درس ناخوانده بودن پیامبر [9] به‌وجود آمده است.

کاتبان وی وجود ندارد. کهن‌ترین نسخ خطی کامل قرآن احتمالاً به قرن سوم / نهم بازمی‌گردد؛ به ندرت، نسخ خطی قدیمی‌تری از بخش‌هایی از قرآن وجود دارد<sup>۱</sup>. بنابراین، قرآن همانند دیگر کتب از تحریف آسیب‌پذیر خواهد بود؛ آسیبی که خود قرآن بارها به آن اشاره کرده است. اتان کلبرگ می‌گوید:

قرآن از مفهوم تحریف متون مقدس پیشین خبر می‌دهد (برای نمونه بقره: ۵۹، ۷۵، ۱۵۹، ۱۷۴؛ نساء: ۴۶؛ انعام: ۹۱ و آیات دیگری که بیشتر به این معنا تفسیر می‌شوند<sup>۲</sup>). مسئله تحریف وحی که محمد پیامبر دریافت می‌کرده به‌طور قطع ارتباط نزدیکی با تاریخ قرآن و روزگاری که در آن به نگارش درآمده دارد. روشن است که هر چه قدر ویرایش نهایی متن به زمان وحی نزدیک‌تر باشد، خطر تغییر در آن کم‌تر است. به این دلیل اصلی است که رایج‌ترین سنن «راست کیش» اعتقاد دارند تصمیم برای جمع‌آوری قرآن در زمان ابوبکر؛ یعنی درست بعد از رحلت پیامبر در ۱۱ / ۶۳۲ اتخاذ شد و اینکه نسخه رسمی که کاملاً با وحیی که محمد دریافت کرده بود، مطابقت داشت، در زمان خلیفه عثمان، تنها سی سال بعد از رحلت پیامبر تهیه شد. برخلاف این اطلاعات موجود، مسئله حائز اهمیت این است که بررسی کنیم در چه زمان و تحت چه شرایطی قرآن به شکلی که به‌طور سنتی به مصحف عثمانی مشهور شده به نگارش درآمده است<sup>۳</sup>.

پس تحریف محتمل منابع (در این‌جا قرآن) را نباید از نظر دور داشت؛ منبعی که به گفته نویسنده مقاله «محمد» از معتبرترین منابع است<sup>۴</sup>، اما اعتماد به دیگر منابع از نظر نویسندگان مقالات دایره المعارف بسیار دشوار است؛ زیرا «نسخه‌های مختلف منابع و یک متن اغلب در گزارش‌ها و محتوا با هم اختلاف دارند»<sup>۵</sup> و تصرف

۱. Etan Kohlberg And Mohammad Ali Amir-Moezzi, Revelation And Falsification: The Kitab Al-Qira'at Of Ahmad B. Muhammad Al-Sayyari, Brill, 2008, P. 237

۲. Ibid:۲

۳. Ibid:۲

۴. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Muhammad

۵. Ibid, Entry Of Sira





در آنها به اندازه‌ای است که] هر مقدار به نسخه‌های جدیدتر منابع مراجعه می‌شود، منابع بیشتر ادعا می‌کنند که در مورد زمان پیامبر می‌دانند<sup>۱</sup>».

با فرض معتمد نبودن منابع اسلامی، ناگزیر باید از دیگر منابع موجود در آن عصر کمک گرفت؛ منابعی که می‌توانند مدعیات منابع اسلامی را تصدیق یا تکذیب کنند و از این طریق می‌توان آنها را ارزیابی کرد. منابع اسلامی و منابع غیر اسلامی یک‌دیگر را تأیید یا تکذیب می‌کنند؟ «منابع غیر اسلامی مانند منابع یهودیان اغلب با منابع اسلامی اختلاف دارند و مطالب و گزارش‌های اسلامی را تأیید نمی‌کنند. اکثر بخش‌های گزارش‌های منابع سیره براساس یکی از ژانرهای که در بالا ذکر شده طبقه‌بندی می‌شوند<sup>۲</sup>».

بنابراین، مدخلی از اصلی‌ترین مقالات دایرة المعارف آشکارا می‌گوید به منابع سیره اعتماد ندارد؛ پس نمی‌تواند به شکل بایسته‌ای پیامبر را بشناساند.

### اتهام پیامبر

پیامبر از دید دایرة المعارف اسلام با تغییر قبله، پیمانش را با یهودیان نقض کرد؛ پیمانی که یهودان بر پایه آن برای زندگی در مدینه از امنیت و آرامش برخوردار بودند. تغییر قبله از مقدمات پیدایی دین جدید بود که می‌توانست از ادیان و فرهنگ معاصر خود چیزهایی را برگیرد و معارف بسیاری را از یهودیت اقتباس کند. عهد عتیق در تدوین قرآن و آموزه‌های سنت بسیار تأثیر گذارد و دینی را متناسب با فرهنگ ملی ساخت؛ یعنی فرهنگی که بر قداست مکه و اجرای اعمال و آداب و رسوم مطرح در این زمینه استوار بود (دین محمد). بنابراین، نخستین کار او جدا کردن قبله‌اش از قبله یهودیان بود. این جداسازی از دید دایرة المعارف اسلام، اعلام استقلال اسلام و ناوابستگی به دیگر ادیان و تعامل نکردن با پیروان آنان بود: «معلوم نیست که آیا اقتباس آیین یهود در خواندن نمازهای روزانه به سمت اورشلیم - آیینی که پس از اولین سال اقامت پیامبر در مدینه رها گردید - بخشی از اقدام پیامبر

۱. Ibid

۲. Ibid

برای جذب یهودیان مدینه به اسلام بوده یا نه؛ زیرا گزارش‌های مربوط به قبله مسلمین در مکه پیش از هجرت گوناگون است<sup>۱</sup>.

یهودیان می‌گویند: هنگامی که پیامبر دریافت یهودیان او را پشتیبانی نمی‌کند، آنان را به تحریف تورات متهم کرد. از دید مستشرقان اسلام، دینی اصیل و خود پیامبر نیز در اندیشه تأسیس دین جدید نبود. حافا لازروس یافا، شرق‌شناس یهودی معتقد است که اتهام تحریف به یهودیان زمانی فزونی گرفت که محمد دریافت یهودیان وی را پیامبر نمی‌دانند و او را ریشخند می‌کنند. از این‌رو، یهودیان از سویی به تحریف متهم شدند و از سوی دیگر، محمد دینی تازه همانند یهودیت بنیاد گذارد. این دین از دید مستشرقان شاخه‌ای از یهودیت است. نویسنده مقاله «محمد» در *دایره‌المعارف اسلام* می‌گوید: «پیامبر هیچ‌گاه در اندیشه بنا نهادن دین جدیدی نبود، بلکه تنها به فکر احیای دین حقیقی‌ای بود که پیامبران از همان ابتدا اعلام کردند<sup>۲</sup>». این دین پس از تأسیس آرام‌آرام شکل گرفت و متکلمان و مورخان دوره‌های بعدی و فیلسوفان و قصه‌سرایان و بسیاری از دیگر گروه‌ها، هر روز تصویرش را کامل‌تر کردند:

اکنون لازم است بین عقاید دینی و صورت‌بندی‌های کلامی دوره‌های بعد از یک سوی و نتایج حاصل از تحقیقات نوین جامعه‌شناسی و تاریخی، از سوی دیگر، تمایزی قایل شویم. برای مثال، در باور سنتی مسلمانان، محمد (ص) «آخرین و بزرگ‌ترین پیامبر» است. این ایده، به احتمال زیاد بر تفسیرهای دوره‌های بعد، از اصطلاح «خاتم النبیین» مبتنی است که در آیه ۴۰ سوره احزاب (۳۳) به محمد اطلاق می‌شود<sup>۳</sup>.

دایره‌المعارف نمی‌خواهد اسلام را دین تازه‌ای بشناساند، بلکه آن را دنباله ادیان گذشته می‌خواند و با اصطلاح «اسلام یهودیت جدید به زبان عربی» از آن یاد می‌کند:

۱. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Muhammad

۲. Ibid, Entry Of Muhammad

۳. Ibid



وی نه یک بنیان‌گذار، بلکه مؤید و احیاگر دین کهن توحیدی به شمار می‌آید که ابراهیم آن را بنا نهاد. نباید تعجب کرد که مورخان، ظهور یک جامعه و سنت نوین دینی را که به دست پیامبر مردی با بینش و مهارت‌های فوق‌العاده بنا نهاده شده در همان زمانی می‌دانند که قرآن این مفاهیم را اعلام می‌کرد؛ یعنی طی سال‌های نخست پس از هجرت. به خصوص به نظر می‌رسد که مخالفت یهودیان مدینه با محمد تأثیر مهمی بر شکل‌گیری اسلام داشته است؛ زیرا دقیقاً در همین زمان و ظاهراً در واکنش مستقیم به مخالفت یهودیان با وی بود که جامعه نوپای مسلمین از طریق اقتباس عناصر گوناگون آیین عبادی کهن اعراب، هویت ملی آشکاری یافت. این تغییر مهم در مسیر اسلام، در سال دوم هجری (ژوئیه ۶۲۳ تا ژوئن ۶۲۴) رخ داد و نشانه آن تغییر قبله از بیت المقدس به حرم کهن کعبه بود که بسیار مورد بحث قرار گرفته و قرآن تقریباً به طور مفصل به آن پرداخته است.<sup>۱</sup>

### هم آوردخواهی پیامبر

کوشش دایره المعارف اسلام بدین معطوف است که نشان دهد پیامبر پس از ناامیدی‌اش از پشتیبانی یهودیان از او و رسالتش، آنان را به مبارزه فراخواند و از آنان خواست تا کتاب نامحرف خود را به وی نشان دهند تا ثابت شود وی در دعوت به رسالتش، صادق است:

محمد آنان را به مبارزه می‌طلبید و از ایشان می‌خواست تا کتاب مقدسشان را ارائه دهند. در مدینه متهم شدند که بخش‌هایی از کتاب مقدسشان را از وی مخفی نموده و حتی آیاتی را جعل و ادعا کرده‌اند که در کتابشان بوده است. او هم‌چنین معتقد شد که کتب مسیحیان پیام و تعالیم واقعی عیسای پیامبر را حفظ نکرده‌اند.<sup>۲</sup>

حافا لازروس یافا در مدخل «تحریف» به این نکته پرداخته است که پیامبر پس از

۱. Ibid

۲. Ibid

این آنان را به تحریف کتاب متهم کرد و این اتهام را در قرآن آورد:

از نگاه قرآن، تورات و انجیل وحی‌های اصیل الاهی هستند که همانند قرآن از لوح محفوظ گرفته شده‌اند و رسولان راستین، آنها را به ترتیب برای یهودیان و مسیحیان آورده‌اند، اما آنها به شریعت خود وفادار نبودند و کتب مقدس خود را دست‌کاری و تحریف کردند.<sup>۱</sup> قرآن صریحاً درباره زمان و نحوه این تحریف سخن نمی‌گوید<sup>۲</sup>، اما تفاسیر بعدی شرح‌های مختلفی ارائه کرده‌اند؛ برخی آنها را مربوط به عصر موسی می‌دانند. نویسندگان بعدی، پادشاهان یا کاهنان بنی‌اسرائیل به ویژه عزیر، رونویس‌کننده و تورات و یا حاکمان بیرانس و دیگران را متهم می‌کنند. این اتهام که یهودیان معاصر [حضرت] محمد مطالب کتاب مقدس نظیر مجازات (رجم) برای زنای محصنه پیش‌گویی نبوت [حضرت] محمد در کتاب مقدس را پنهان (کتمان) کرده‌اند.<sup>۳</sup>

اتهام جعل و تحریف، یک درون‌مایه جدلی شایع بوده است که در دوره پیش از اسلام، نویسندگان مُشرک، سامری و مسیحی برای رد مخالفان خود و کتب مقدس از آن استفاده می‌کردند.<sup>۴</sup> این امر در سوره‌های مدنی، یک موضوع محوری است که هدف کاربرد آن، ظاهراً توجیه اختلافات میان کتاب مقدس و قرآن و اثبات این نکته است که فی‌الواقع در کتاب مقدس «اصلی» آمدن پیامبر اسلام و ظهور اسلام پیش‌بینی شده است. تحریف در قرون ابتدایی اسلام، معروف بود، اما موضوع محوری نبود احادیث و تفاسیر اولیه، شکاف‌های رها شده توسط آیات مربوطه قرآن را پر کردند.

منابع اسلامی از تحریف سخن گفته‌اند، اما حافا لازروس یافا تفاسیر را مخدوش و جعلی می‌داند و معتقد است اتهام تحریف به یهودیان آن هنگام بیشتر مطرح شد که

۱. Ibid, Entry Of Tahrif

۲. Ibid

۳. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Tahrif

۴. Ibid

محمد دید یهودیان او را پیامبر نمی‌شناسند، بلکه ریشخندش می‌کنند. از این‌رو، یهودیان به تحریف متهم شدند و دین تازه‌ای همانند یهودیت بنیاد یافت.

بنابراین، محل تولد پیامبر به مرکز دین حقیقی، قبله نمازهای روزانه و مکانی مطلوب برای زیارت سالانه حج تبدیل شد؛ ایده‌ای که به طور نظری تقریباً در اوایل دوره مدینه اتخاذ گردید، اما تا آخرین سال‌های حیات پیامبر به منزله یکی از شعایر اسلامی جامه عمل نپوشید در همین حال محمد از تمسخر و اعتراضات جوامع دینی که به زعم وی عیسی و موسی آنها را پایه‌ریزی کرده و به گفته خود او الگوی وی بودند، رهایی یافت.<sup>۱</sup>

### تلاش برای پشتیبانی از یهودیان

مقالات «محمد»، «یهود»، «بنی‌نضیر»، «بنی‌قریظه»، «بنی‌المصطلق»، «خیبر»، «فدک» و «مدینه» دایره‌المعاف، عمل کرد یهودیان را درباره اسلام نادرست نمی‌خوانند، بلکه با نقل روی دادها می‌کوشند خیانت‌ها و پیمان‌شکنی‌های آنان را بپوشانند و پیامبر اسلام را شخصیتی فرصت‌طلب و خشونت‌طلب بخوانند. برای نمونه، نویسنده مدخل «خیبر» به‌رغم اینکه تحركات یهودیان را تأیید می‌کند، چنین می‌نویسد: «محمد با انگیزه فرصت‌طلبی سیاسی به یهودیان حمله کرد. از یک سو، پیمان منعقد شده با قریش در حدیبیه به او اطمینان می‌داد که در طول لشکرکشی از سوی آنها مورد هجوم واقع نخواهد شد [و] از سوی دیگر، اگر بر خیبر پیروز می‌شد، با غنائم کافی می‌توانست همراهانش را که به فتح مکه امید بسته بودند و ناامید و ناخرسند بودند را راضی و خشنود کند».

دایره‌المعاف برای فروکاستن جایگاه پیامبر (ص) در بخشی دیگر از مقاله «محمد» می‌گوید: وی برای تشکیل «امت واحده» می‌بایست یهودیان را از مدینه بیرون می‌کرد، بنابراین، نشانه‌هایی در دست است که بر تصمیم او درباره قتل عام بنی‌قریظه دلالت می‌کنند.<sup>۲</sup> البته دایره‌المعاف این ماجرا را روی داد بزرگی در

۱. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Muhammad

۲. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Khaybar

۳. Ibid Entry Of Muhammad

تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جزیره العرب خوانده است:

شکست مکیان در محاصره مدینه و نابودی این آخرین قبیله بزرگ یهودی، به یکی از نقاط عطف مهم در زندگی پیامبر و ظهور جامعه مسلمین تبدیل شد. از حدود شش ماه پس از ورود به مدینه که او اولین گروه مهاجم را به فرمان‌دهی عمویش حمزه اعزام کرد تا هنگام شکست مکیان در محاصره مدینه، پیامبر همواره گروه‌های مهاجمی را برای حمله به کاروان‌های مکی گسیل می‌داشت (برای اطلاع از فهرست کامل و منابع مربوط در کتاب ابن هشام و واقدی / ولهاوسن، ر.ک: مدخل مدینه) این روش، پس از جنگ خندق و نابودی بنی قریظه، متوقف شد (حدوداً یک سال پیش از آنکه پیامبر درباره یک آتش‌بس ده ساله، با مکیان به توافق برسد) و توجه اصلی پیامبر به سمت شمال معطوف گردید!

نقض پیمان یهودیان، از دلایل چالش پیامبر با آنان بود، اما دایره / المعرفه دلیل قطعی این پیمان و منابع در بردارنده آن و محتوایش را منکر می‌شود و آنها را منابع ضعیف و نامعتمد می‌خواند:

گزارش شده که در زمان هجرت، کعب بن اسد که به نفع قریظه فعالیت می‌کرد، با محمد عهدی می‌بندد و پس از آن در زمان محاصره مدینه (خندق) از سوی حی بن اخطب تحریک شد تا این عهد را بشکند و عهدنامه نیز از سوی اخطب پاره شد (ابن هشام، ۳۵۲، ۶۷۲؛ الواقدی، ۴۵۶). این گزارش می‌تواند تردیدآمیز باشد. ابن اسحاق منابعش را ذکر نمی‌کند. الواقدی هم برای نقل این واقعه دو منبع دارد: یکی نوه کعب بن ملک از سلیمه که قبیله‌ای دشمن با یهودیان هستند و دیگری محمد بن کعب است (۸-۷۳۵/۲۰-۱۱۷ d). نوه پسری قریظه که وقتی آنها به اسلام تسلیم شدند به عنوان یک برده فروخته شد و بعدها مسلمان شد. هر دوی این دو منبع از جهت تعصبی که ممکن است در قبال قریظه داشته باشند، مشکوکند و به همین خاطر محتمل است که اصلاً هیچ عهد و پیمانی بین



محمد و قریظه در کار نبوده باشد. البته تقریباً قطعی است که محمد یک توافق کلی و عمومی با یهودیان کرده بود که آنها از دشمن او حمایت نکنند (الواقدی، ۱۷۶) و احتمالاً چیزی شبیه به این و به طور ضمنی در اتحادش با اعراب مدینه نیز وجود داشت؛ چرا که قبایل یهودی با یکی یا سایر قبایل عرب متحد شده بودند. قانون مدینه آن گونه که ابن هشام روایت می‌کند (۳۴۱-۴) قریظه یا النضیر یا قینقاع را به اسم ذکر نمی‌کند. تاریخ شکل کنونی این قانون نیز به زمان اعدام مردان قریظه برمی‌گردد و از این گروه‌های یهودی احتمالاً در یک نسخه قدیمی‌تر از این قانون اسم برده شده است.<sup>۱</sup>

پرسش درباره پیمان محمد و یهودیان، قضاوت اخلاقی در مورد رفتار محمد با قریظه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در طول محاصره مدینه (۵ ذیقعد / آوریل ۶۲۷) محمد از بابت رفتار آنها نگران شد و گروهی از مسلمانان را فرستاد تا با آنها صحبت کنند. نتیجه، نگران‌کننده بود. با اینکه به نظر نمی‌رسد قریظه هیچ رفتار خصمانه آشکاری از خود بروز داده باشد، اما احتمالاً وارد مذاکره با دشمن شده بوده است. بر این اساس، به محض اینکه محاصره مدینه تمام شد، محمد به قریظه حمله کرد و آنها را در قلعه هایشان به مدت ۲۵ شب محاصره کرد. پس از مذاکره آنها قبول کردند که بدون پیش شرط تسلیم شوند. سعد بن موده، رئیس قبیله عبدالاشال که با قریظه متحد بود برای قضاوت بین آنها آمد. او حکم داد که تمام مردان (که بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ نفر بودند) کشته شوند و زنان و کودکان به عنوان برده فروخته شوند. این حکم انجام شد (اخیراً، و.ن. عرفات در فارس [۱۹۷۶] ۷-۱۰۰ ادعا کرد که مردان به هیچ وجه کشته نشدند، اما استدلال او قانع کننده نیست). سه مرد جوان از قبیله همدل که با قریظه در دژ بودند، گریختند و پیش از تسلیم شدن اسلام آوردند. یک یا دو نفر دیگر هم فرار کردند. به عنوان بخشی از غنایم محمد زنی به نام ریحانه را دریافت کرد و با او ازدواج موقت (صیغه) کرد؛ هر چند گفته می‌شود که او مسلمان شده

۱. Encyclopedia Of Islam, ۲nd Ed, Entry Of Kurayza

است. محمد بن کعب قریظه (که در بالا ذکر شد) دانشمند و محقق شد.<sup>۱</sup>

د *ایره المعرفه* در ماجرای بنی قریظه نامینانه و سوگیرانه بدون در نظر آوردن و نادرست دانستن خیانت یهودیان، گزارشی درباره جنگ بنی قریظه عرضه می‌کند. سراسر مدخل قریظه چنین است. د *ایره المعرفه اسلام* در گزارشش درباره غزوات پیامبر با یهودیان، هرگز در پی نادرست خواندن رفتار آنان نیست، بلکه بیشتر می‌کوشد که با شیوه‌های گوناگون آنان را مظلومانی بنماید که بر اثر سوء فهم‌های مسلمانان، قربانی هم‌دستی دشمنان شدند. افزون بر اینکه د *ایره المعرفه* با نادیده گرفتن دلایل و مستندات متواتر منابع اسلامی، آنها را حاصل تصورات و خیال‌پردازی‌های مسلمانان می‌خواند و نمی‌پذیرد، بلکه در فروکاستن جایگاه پیامبر می‌کوشد که این خود نشان‌دهند تأثیر گفتمانی این گروه در دائرة المعارف است.

### نتیجه

این مقاله بر پایه ویژگی‌های گفتمان یهودی به تأثیرگذاری این گفتمان در توصیف اسلام پرداخت. بنابر یافته‌های تحقیق، مقالات د *ایره المعرفه اسلام* با پشتیبانی از یهود، چهره‌ای مخدوش، فرصت‌طلب و محرف از پیامبر اسلام عرضه می‌کند. این شکل از توصیف اسلام، به دنبال هدف مهمی است؛ یعنی حفظ چیرگی آموزه‌های یهودی بر مطالعات اسلامی. بنابراین، خواننده د *ایره المعرفه باور* می‌کند که آموزه‌های تورات و انجیل از آموزه‌های منابع اسلامی برترند؛ یعنی منابع اسلامی بدون اقتباس از دیگر ادیان، سخنی از خود ندارند.

گفتمان یهودی در این زمینه آثار و متون فراوانی پدید آورده و در سده‌های اخیر نیز با استفاده از روش‌شناسی و دیدگاه‌های نو در حوزه علوم جدید، به شیوه دیگری به اسلام یورش آورده است. ویژگی‌های محوری این گفتمان سوگیرانه، چنینند:

۱. اسلام آموزه‌هایش را از دیگر ادیان، به‌ویژه یهودیت اقتباس کرده است. شرق‌شناسی یهودی کوشیده است که اثبات کند اسلام اصیل نیست، بلکه درون‌مایه‌اش

۱. Ibid





را از مذاهب و فرهنگ‌های دیگر جوامع وام کرده است. این گروه از شرق‌شناسان با پژوهش در متون اصلی و بنیادین اسلام مانند قرآن و احادیث پیامبر می‌کوشند درباره مقتبس بودن قرآن از عهدین به‌ویژه تورات و ساخته شدن احادیث پیامبر بر پایه آموزه‌های حکیمان یونان و روم باستان و ساختگی بودن گزارش‌های مسلمانان در این‌باره، شبهه افکنند.

پایه استدلال مستشرقان، پس از نفی اعتبار منابع، اثبات شبهه اقتباس است؛ زیرا بنابر این شبهه، دیگر شبهات نیز راه خود را باز می‌کنند. هدف از طرح شبهه اقتباس، آسیب‌رسانی به اسلام است؛ یعنی اثبات اصلی یهودی برای اسلام که از مدعیات خاورشناسان یهودی و غربی به شمار می‌رود. این گروه از خاورشناسان با توجه به اصالت یهودی اسلام و ادعای تأثیرگذاری فراگیر یهود در باورها و مناسک مسلمانان، می‌کوشند جایگاه اسلام را فروبکاهند و سرانجام اسلام را فرقه‌ای منشعب از یهود یا شاخه دینی مستقل، اما برآمده از یهود بنمایند.

۲. سیره نبوی بر پایه اسطوره‌های یهودی استوار است. گفتمان یهودی بیش از اخلاقیات و عرفان، به مباحث و احکام شریعتی اسلام می‌پردازد. روی‌کرد گفتمان یهودی، گزینشی است؛ یعنی این گفتمان تنها به بخش‌هایی می‌گراید که می‌تواند شیوه تفسیر خاص خود را در آنها به کار گیرد. یهودیت نیز دینی شریعت‌محور است و از این‌رو، گفتمان یهودی نیز اسلام را با محوریت شریعت و احکامش برمی‌رسد و دیگر بخش‌هایش (اخلاق و عرفان) را فرومی‌گذارد.

۳. گفتمان یهودی در پی اعتبارزدایی از منابع اسلامی است؛ یعنی اسلام را دین اصیلی نمی‌داند، بلکه سرچشمه پیدایی‌اش را اقتباس آموزه‌ها از دیگر ادیان به‌ویژه یهودیت می‌داند و از همین روی باور دارد که بر پایه بررسی و مطالعات تاریخی، منابع اسلامی از خود اعتباری ندارند و تنها با مطالعه آنها نمی‌توان حقیقت را فراچنگ آورد، بلکه متون اصلی (شریعت یهود) را در این‌باره باید بررسی کرد.

#### کتاب‌نامه

- ادریس، محمدجلاء (۱۹۹۵)، *الاستشراق الاسلامی فی المصدا در العبریه*، قاهره، نشر و توزیع العربی القاهره.

- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی‌زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان*، بی‌جا، سمت.
- انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۶۸)، «دایره‌المعارف بریتانیکا»، در *برد اشتهی از تجربه و ارنپریس*، تهران، شورای کتاب کودک، به نقل از قرشی، محمدحسین (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، «تاریخچه دایره‌المعارف‌نگاری در جهان»، *کیهان فرهنگی*، شماره ۱۲۷.
- جان احمدی، فاطمه (تابستان ۱۳۹۲)، «توصیف و تبیین یهودی‌سازی تاریخ اسلام»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، پژوهش‌گاه فرهنگ و معارف اسلامی، ج ۵۵.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۲)، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.
- حسین‌زاده، احمد (آذر ۱۳۹۰)، «تطبیق استنادهای بسامدی و مشابه در مدخل‌های «ب» و «پ» دانش‌نامه جهان اسلام و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی»، *کتاب ماه کلیات*، شماره ۱۶۸.
- خلیفه حسن، محمد (۲۰۰۳)، «المدرسه اليهودیه فی الاستشراق»، *الرساله المشرقی*، شماره ۱-۴، مجلد ۱۲ قاهره.
- خوش‌دل، میترا (دی و بهمن ۱۳۸۲)، «دائره‌المعارف اسلام»، *کتاب ماه کلیات*، شماره ۷۳-۷۴.
- سحاب، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، *فرهنگ خاورشناسان (زندگی‌نامه و آثار ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان)*، بی‌جا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بی‌جا، دفتر تبلیغات اسلامی.
- عباسی، مهرداد و آقای، علی (فصل؟ ۱۳۸۲)، «امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام»، *کتاب ماه دین*، شماره ۷۴-۷۵.
- گلدتسیهر، ایگناس (۱۳۵۷)، *درسهایی از اسلام*، ترجمه علی‌نقی منزوی،



تهران، کمان گیر.

- میلز، سارا (۱۳۸۸)، *گفتمان*، ترجمه فتح محمدی، بی جا، نشر هزاره سوم.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۹۱)، *درآمدی به گفتمان شناسی*، تهران، هرمس.
- یورگنس، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- ELIASH, JOSEPH. (1932-1981), "The Si'ite Qur'an: a reconsideration of Goldziher's interpretation," *Arabica: Journal of Arabic and Islamic Studies* ۱۶□ (۱۹۶۹).
- Etan Kohlberg and Mohammad Ali Amir-Moezzi, *Revelation and Falsification: The Kitab Al-Qira'at of Ahmad B. Muhammad Al-Sayyari*, Brill, 2008
- Hava Lazarus Yafa, *Some Religious Aspects of Islam*, Brill, 1981.
- John Wansbrough, *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, trans. by Andrew Rippin, New York: Prometheus Books, ۲۰۰۴.
- *Orientalism and the Construction of Jewish Identity in France, 1900-1932*, *Jewish Culture and History*, Vol. 2, No.1(1999).
- *the Encyclopedia of Islam*, 2nd Ed, Prepared by a number of leading orientalist
- Tim Dant, *Knowledge, Ideology and Discourse: A Sociological Perspective*, London: Routledge, 1991.
- Uri Rubin, *Introduction: The Prophet Muhammad and the Islamic sources, in The Life Of Muhammad*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی